

## مشهد قدیم

## فرمان فروری

شرح ۲ سفر ناصر الدین شاه قاجار به مشهد

# دستور بزرگ شدن در ها و منع دخانیات!

از میان مسافران نامدار تاریخ که توفیق زیارت امام رضا(ع) نصیب شان شده است، می‌توان به ناصر الدین شاه قاجار اشاره کرد. او در طول حکومت و فرمانروایی اش دو سفر به مشهد داشت. اولی را در بیست و یکمین سال سلطنتش (سال ۱۲۸۴ ق) انجام داد، آن هم در قالب اقامتی ۳۳ روزه در مشهد؛ اما دومین سفر او به ۱۶ سال بعد موکول شد. به روایت اسناد تاریخی، در سفر اول حدود چهار هزار و ۵۰۰ نفر اعم از رجال و شخصیت های سیاسی، نظامی ها، پزشکان و خدم و حشم، وی را همراهی می کردند. به گز ارش پایگاه اینترنتی دانشنامه مشهد، غلام رضا آذری خاکستر در مقاله‌ای به بررسی دو سفر ناصر الدین شاه پر داخته که جزئیات آن در ادامه آمده است:

●**۵۹روز در جاده سمنان-مشهد**

روایت کلی اسناد و روایت‌ها از این سفر در سال ۱۲۸۴ ه‍.ق نشان می‌دهد که شاه علاوه بر بررسی امور خراسان، برخی از انتصابات و بازدیدها را نیز انجام داد. شرح این سفر را علی نقی خان حکیم الممالک که از رجال اهل علم آن زمان بود، به رشته تحریر درآورده است. سفر ناصر الدین شاه از پانزدهم ذی الحجه ۱۲۸۳ و از تهران شروع شد و وی در روز دوشنبه چهاردهم صفر ۱۲۸۴ به مشهد رسید. این سفر ۵۹ روزه از طریق جاده سمنان به مشهد انجام گرفت.

●**داخل بهشت گشتیم**

روایت‌های تاریخی می‌گویند که؛«مراسم استقبال از شاه از دروازه پایین خیابان شروع شده‌و از ابتدای خیابان خارج شهر تا درب دروازه، سربازان ملتزم ر کاب در دو سمت ایستاده‌و از دروازه تا درب صحن مقدس افواج متوقف ارض اقدس حمله شده بودند. در اول دروازه پایین خیابان ناصر الدین شاه سوار بر اسب و یراق تمام الماس، وارد مشهد می‌شود.»دکان ها و اطراف خیابان را کسبه و اصناف تزئین کرده و جمعیت زیادی از مرد وزن در دو طرف پایین خیابان نظاره گر حضور شاه بودند. ناصر الدین شاه پس از تشریف به حرم مطهر رضوی در روز نامه مخصوص می نویسد: «بعد از برداشتن حقیقه و تقدیم آن داخل صحن شدیم یعنی داخل بهشت گشتیم از آن جا صحن به صحن اتاق به اتاق تارواق به رواق و روضه مطهره مشرف شدیم حالتی روی داد که به وصف نمی آید. خداوند ان شاء... نصیب همه مسلمین فرماید. «شاه قجری پس از اتمام زیارت از سمت بالاخیابان به سوی ارگ می‌رود. در این سفر ارگ مشهد

محل سکونت شاه انتخاب شده بود.

●**دستوری برای بزرگ شدن در خانه‌ها**

پس از مستقر شدن شاه در ارگ مشهد، فرستی برای وی فراهم آمد تا امور اجرایی را نیز رتق و فتق کند. از جمله؛ واگذاری پیشکاری خراسان به محمد ناصر خان ظهیر الدوله و انتصاب میرزا محمدخان به عنوان متولی حرم مطهر. بازدید از قورخانه ارگ که از بناهای سلطان مراد میرزای حسام السلطنه است و اهدای یک طاقه شال کشمیری به قربان بیگ یاور قورخانه از دیگر مسائلی بود که در این سفر انجام می‌شود. همچنین بازدید از مدرسه میرزا جعفر و دستور برای تعمیر آن از محل موقوفه از دیگر کارهایی بود که از سوی ناصر الدین شاه پیگیری و انجام شد. سپس از عبور از معابر شهر دستور می‌دهد تا سقف بازار جنب صحن را تعمیر کنند و تغییراتی برای در خانه‌های کوچک و بدتر کبپ شهر صورت دهندو مانند خانه‌های شهرهای بزرگ یا پایتخت، درهایی بلندتر بنا کنندو به رونق و تمیزی کوچه‌های شهر توجه بیشتری شود.

●**هزار تومان برای فقرای خارج شهر**

وی در هفدهمین روز حضورش در مشهد برای قرائت فاتحه به خواجه ربیع می‌رودو حکم به تعمیر آن بقعه می‌دهد. همچنین در اول ربیع الاول ۱۲۸۴ از دار الشفای جدید آستان قدس که از بناهای مشیرالدوله است، بازدید می‌کندو سپس به حرم مشرف می‌شود. در آن



جا کتابچه جمع و خرج آستان را بررسی می‌کند. توجه به فقر از دیگر اقدامات ناصر الدین شاه در اولین سفرش به مشهد است. او مبلغ هزار تومان وجه نقد برای بذل به عموم فقرا وضعای مشهد پرداخت می‌کند تا بین فقرایی که خارج شهر ساکن اند، تقسیم شود. خرید پارچه با قیمت مناسب و تشویق صنایع از دیگر هاوردهای این سفر بود؛ ناصر الدین شاه برای ترویج صناعت و تشویق کسبه و اربابان صنایع مقرر داشت از هر قسم اجناس خراسان اعم از حریر یا پشمین به حضور مبارک‌آورده، مقدار کثیری از آن‌ها را به قیمت های گزاف خریداری فرموده و شال‌با‌فان و سایر صنعتگران را امیدوار ساخته، در ترقی صنعت خودو از دیاد کار خنجات ترغیب و تحریض نمایند.»

در این سفر آقارضا عکاس باشی تصاویری از حرم مطهر و ابنیه تهیه می‌کندو فرصتی نیز دست می‌دهد تا ناصر الدین شاه از تفرجگاه‌های مشهد نیز بازدید کند. در آن زمان کوهسنگی که مدفن اجداد میرزای ناظر است، یکی از تفرجگاه‌های جذاب شهر بودپس با شاه هم آن جا را برای گردش و تفریح انتخاب می‌کند. همچنین در ۲۲ صفر به روستای گلستان و طریقه و جاجرغ می‌رود و بازدید از بند گلستان دارد. سفر به بیلاقات شانیز، چشمه سبز و روستای اسجیل از دیگر برنامه‌های تفریحی شاه قاجار به شمار می‌آمد.

به استناد آن چه در تاریخ آمده، در روز هفدهم ربیع الاول، سلام عید در حرم مطهر

الماس حاضر کرده بودند، شده‌و بهمان وارد شهر شدند. مردم از زن و مرد در بالاخیابان صف بسته، سلام و صلواتی می‌فرستادند. تار سیدیم نزدیک چوب بست. نزدیک آن جا که رسیدند پیاده شده و داخل صحن مقدس شدند. خدام آستانه مبار که همه حاضر بودند و زیارت‌نامه خواندند.»در این سفر هم شاه در ارگ مشهد حضور داشت و برنامه ر سیدگی به شکایات مردم نیز در باغ آصف الدوله انجام می‌شد. شاه در عصر روز جمعه سیزدهم شوال ۱۳۰۰ در عمارت حوضخانه باغ آصف الدوله برای دیدار با طبقات اهل مشهد حاضر می‌شود. میرزا قهرمان پس از رسیدگی به شکایات مردم در نامه‌ای به ناصر الدین شاه نوشته است: «گویا در این مدت حکومت در میان نبوده. نوکر و رعیت به طوری پریشان و به اختلاف هم از حکومت عارض، هم میان خودشان تعدیات شده است و احقاق حقوق مردم و رسیدگی آن‌ها شرایط و اسباب دقت می‌خواهد. مردم انتظار دارند زمانی که به خراسان می‌آیید به دردمر رسیدگی شودو رف ظلم از مردم شود.»

بر گز ار شد و پس از ۳۳ روز اقامت در مشهد، ناصر الدین شاه در روز یک شنبه هجدهم ربیع الاول به سفرش پایان دادو عازم پایتخت شد.

●**دومین سفر شاه قجر**

دومین سفر ناصر الدین شاه به مشهد در سال ۱۳۰۰ ه‍.ق انجام شد. در آن زمان رکن الدوله حکمران خراسان بود. شرح این سفر توسط ناصر الدین شاه را میرزا قهرمان امین لشکر نوشته است. به اذعان او، کاروان شاه روز چهارشنبه یازدهم شوال ۱۳۰۰ از طرف مبارک‌آورده، مقدار کثیری از آن‌ها را به قیمت و رودوی به شهر نوشته اند: «جمعیت زیادی از اهل شهر تا دم دروازه شهر مشهد ایستاده بودند. رسیدیم به دروازه بالاخیابان دیوار قلعه نو محکم و خوب است. دم دروازه بر سر نهر چشمه گیلان که از این دروازه داخل شهر می‌شود جهانسوز میرزای سپردار، پیاده ایستاده بود. داخل شهر شدیم فوج فیروز کوهی به سر تیبی اسماعیل خان پسر محبعلی خان ماکوئی و فوج تخته‌قاپوی قراجه داغ که سرپرستان محمد علیخان بودو تا زده مرده به فراول ایستاده بودند. خیابان چنار ها و اشجار قوی دارد. آب چشمه گیلان و غیره از همین بالاخیابان می‌رود و از صحن مطهر گذشته، به پایین خیابان جاری و از شهر خارج می‌شود.»روایت دیگری از حضور ناصر الدین شاه در مشهد، می‌گوید: «تار سیدیم دم دروازه، قبله عالم حقیقه کوچک الماس زده بودند و شمشیر جواهر حمایل انداخته بودند. سوار اسب پیشکشی آجودان باشی که با یراق



و غیر از این موارد کلانتر یا داروغه شهر هم در این محله زندگی می‌کرده است. سرای قدیمی عزیزا...اف مشهد پیش از این در حاشیه جنوبی شهر و در محدوده محله عیدگاه قرار داشت ولی امروزه در مرکز شهر مشهد و در گذر عباسقلی خان قرار گرفته است که یکی از مکان های قدیمی و پررفت و آمد شهر مشهد است. این سرای در سال ۱۳۴۷ ق توسط حاج غلامحسین سالم مشهدی به عنوان تجار تخانه و محلی برای صادرات محصولات مختلف بنا شد و تا مدت ها به عنوان بنایی بسیار ممتاز و پیر رونق به شمار می رفت. این سرادر زمان خود بازار مرکزی مشهد بود و از طرفی یکی از مراکز تجاری اصلی مشهد نیز به شمار می آمد. بنای سرای قدیمی عزیزا...اف مشهد در سه طبقه بوده و از حجره های پیرامون یک حیاط مرکزی بزرگ و حیاط فرعی کوچک تر در بخش شرقی تشکیل شده است. البته امروزه نیز بازار خرید و فروش کالای روز مره در مشهد و زائران مشهد است.

عید گاه و کوچه نجیر و کوچه سیروس بوده است و سپس محله های جدید در همین منطقه به وجود آمده از کوچه های مهم دیگر کوچه باغ حسن خان و کوچه شمسر را می توان نام برد. برخی بر این نظرند که «عیدگاه» به همان خصوصیات محلات قدیمی، خانه های تماماً قدیمی با همان مصالح ساختمانی که از چوب و خشت خام و کاهگل تشکیل شده است. نوسازی و یا تعمیر خانه ها در محل خیلی کم انجام شده است. محله عیدگاه در جنوب شهر مشهد و سر راهی و عراق عجم و ولایت های جام و هرات بوده یعنی شرق محله سرشور و غرب محله پایین خیابان. در قرن دهم هجری یکی از دروازه های شهر در محله عیدگاه قرار داشته و از زمان صفویه از محله عیدگاه در کتاب های تاریخی به عنوان یکی از قدیمی ترین دروازه های شهر نام برده شده است. شغل مردم عیدگاه: شال بافی، شاطر نانو، صابون فروش و هیزم کش، طبیب، صراف، الیجه باف، بقال، پاکار، چادر باف، چرخ تاب، زرگر، حجار، کاتب، مقنی، مسگر

### مشاهیر مشهد

فرهنگی

**ادیب نیشابوری دانشمندی گریزان از ریا**



از بزرگ ترین مشاهیر استان خراسان رضوی عبدالجواد پنجگردی معروف به ادیب نیشابوری است. وی در سال ۱۲۸۱ هجری قمری در روستای بیژن گرد از توابع نیشابور به دنیا آمد. ادیب نیشابوری به سبک های خراسانی و عراقی شعر می گفت و بنیان گذار انجمن ادبی خراسان بود.

البته گفته شده وی را می توان به عنوان یکی از اساتید بزرگ نیز معرفی کرد، زیرا اسال هادر مشهد به تدریس ادبیات، فلسفه و منطق پرداخت و تسلط وی به ادبیات عربی و فارسی باعث شد شاگردان بسیاری در محضرش پرورش یابند. ادیب نیشابوری در سال ۱۳۴۴ هجری قمری در گذشت و در جوار حرم امام رضا(ع) به خاک سپرده شد. از جمله شاگردان شناخته شده ادیب نیشابوری می توان به ملک الشعرا بهار، بدیع الزمان فروز انفر، محمدتقی ادیب نیشابوری (ادیب ثانی)، محمد پروین گنابادی، ادیب بجنوردی، محمدتقی مدرس رضوی، محمود فرخ، محمد امین ادیب طوسی، مجدالغلی بوستان و سید جلال الدین تهرانی اشاره کرد.

تسلط و مهارت ادیب در فنون ادبی و محفوظات نظم و نثر عربی و پارسی او، شگفتی همگان را برمی انگیزخت. ادیب در علوم عقلی و نقلی چون فلسفه، نجوم، ریاضیات، طب، موسیقی نظری، فقه، اصول، رجال و تاریخ دستی داشت. شیوه تدریس او خطایی بود و شاگرد اجازه بحث و پرسش نداشت. وی بر آن بود که با این روش درس را به کمتر از وجوهات استفاده می کر د. بنابر نوشته مرحوم سید حسن طلیسی، مرحوم ادیب «هیچ گاه حتی از نزدیک ترین دوستان و صمیمی ترین معتقدان خود مساعدتی قبول نمی کر.»

●**خاطره شهید مطهری از ادیب نیشابوری**

روان شاد ادیب نیشابوری، از تظاهر گران و ریاکاران بسیار گریزان بود. روحیه خود او نیز به گونه ای بود که از گونه جلوه گری کناره گیری می جست. انکفا کردن به کنج حجره ای در مدرسه نواب خود گویای همین خلق و خوی استاد است؛ و آشکار است که مردی با دانش و فضل ادیب، اگر می خواست، چه موقعیت های مادی و دنیایی که در دسترسش قرار می گرفت.

همین خلقیات ادیب سبب شده است که اندیشمند بزرگی چون شهید مرتضی مطهری، به هنگام بحث از ملامتیان و انتقاد به شیوه رفتار آنان، سلوک فردی ادیب نیشابوری را نمونه بیاورد. مرحوم شهید مطهری این مطلب را در زمانی که مرحوم شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری (ادیب دوم) هنوز در قید حیات بوده، بیان کرده است؛ و عین مطلب از این قرار است:

«در مشهد یک کسی بوده به نام ادیب نیشابوری. بعد از او کس دیگری به نام ادیب ثانی بوده، که الان هم هست. این دومی را من خیلی دیده ام و واقعاً هم آدم خوبی است، یعنی خیلی خوبی ها دارد و مرد باایمانی است. ولی این دو نفر، هم آن ادیب و هم این ادیب، کوششی داشتند بر ضد ریاکاران، یعنی اعمالی بر ضد ریاکاران انجام می دادند. یک کسی که از شاگردان مرحوم ادیب اول بود و خودش هم مرد ادیبی بوده و بعد از معلمان بزرگ وزارت معارف آن وقت شد و مرد فاضلی بود- می گفت که من یک خدمتی در آستانه داشتیم و شاگرد ادیب هم بودم و شاگردی بودم که غالباً نزد او بودم حتی کارهایش را انجام می دادم؛ چای برایش در ست می کردم، سیگارهایش را برایش به اصطلاح می پیچیدم و از این کارها. یک وقتی هنگام سحر آمده بودم در صحن و مشغول جاروب زدن بودم. یک وقت دیدم استاد عبایش را به سر کشیده که هیچ کس او را نشناسد. از در صحن که آمد، من متوجهش شدم. از هیکل و راه رفتنش در آن تاریکی فهمیدم که این استاد است؛ تعجب کردم که آخر این وقت شب کجا می خواهد برود. به عجله هم می رفت در حالی که عصایش را نیز به دست گرفته بود. او به اصطلاح خراسانی ها خیلی غراب راه می رفت، ولی آن شب عصایش را برداشته بود و تند راه می رفت. یک وقت دیدم آمد در صحن کهنه، مقابل پنجره که رسید، همان جا به حالت سجده افتاد روی زمین. یک مدتی در حالت سجده ای وی نیز در دست عصایش را برداشت، عبایش را به سر کشید- که هیچ کس صورتش را ندید- و رفت. آنچه امروز از شعرهای مرحوم ادیب اول در دست است، مجموعه شعرهایی است نزدیک به شش هزار بیت. البته مرحوم استاد شعرهایی بیش از این سروده بوده، اما برخی از آن ها را در اواخر عمر نپسندید و کنار گذاشته است. شماری از سروده های وی نیز در دست این و آن بوده و پراکنده شده است. به هر روی مرحوم استاد میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری پس از شصت و سه سال زندگی، در روز جمعه ششم خرداد ماه ۱۳۰۵، برابر با نیمه ذی القعدة سال ۱۴۴۳، در بیمارستان منتصریه مشهد، به رحمت حق پیوست. پیکر استاد را پس از تشییع، در رواق دارالحفظ آستان ملک پاسبان حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) به خاک سپردند.